

# حج اکبر

کدام است؟

سیدعلی قاضی عسگر

برخی از سال‌ها، در ایام حج، «روز عرفه» با «روز جمعه» مصادف شده، و آن

سال در میان حجاج، خصوصاً اهل سنت، به «حج اکبر» معروف می‌گردد. این

مسأله، انگیزه شدتاً با بررسی آیات و روایات و همچنین تاریخ، سابقه آن را دنبال

نمایم. آنچه در ذیل تقدیم می‌گردد نتیجه تحقیقی هر چند کوتاه در این زمینه است

که امید می‌رود با اظهار نظر محققان و دانشمندان و صاحب نظران تکمیل گردد :

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید

«و اذان من الله و رسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله بريء من المشركين و

رسوله<sup>1</sup>.»

«و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر،

که خداوند و پیامبر او، از مشرکین بیزارند.»

در بین محدثان و مفسران قدیم و جدید، در اینکه «حج اکبر کدام است؟» اختلاف

نظر وجود دارد، برخی از آنان معتقدند :

1- مراد از حج اکبر، روز عرفه است. از ابن عباس، طاووس، عمر، عثمان،

مجاهد، عطاء، سعید بن مسیب، ابن زبیر، ابوحنیفه و شافعی نقل شده که روز عرفه

را روز حج اکبر می دانند.<sup>2</sup>

عطاء گوید: «الحج الاکبر الذی فیہ الوقوف بعرفه، و الاصغر العمره»<sup>3</sup>.

اسماعیل قاضی در حدیث مخرمه از رسول خدا - ص - نقل کرده که آن حضرت

فرمود: «: یوم الحج الاکبر یوم عرفه»<sup>4</sup>.

ابن ابی حاتم و ابن مردویه، از مسور بن مخرمه از قول رسول خدا- ص- آورده اند

که :

«انه قال خطب رسول الله - ص- عشية عرفة، فقال اما بعد فان هذا يوم الحج

الاکبر.»

«پیامبر- ص- بعد از ظهر عرفة برای مردم سخن می گفت، و خطاب به آنان

فرمود: امروز، روز حج اکبر است<sup>5</sup>.»ت: حج اکبر و آن حَجَّةُ الْإِسْلَامِ است و

ابن سعد، ابن ابی شیبہ، ابن جریر، ابن ابی حاتم، و ابوالشیخ از عمر بن خطاب نقل

کرده اند که گفت: «حج اکبر روز عرفة است<sup>6</sup>.»

ابن جریر روایت دیگری از ابی الصهبای بکری نقل می کند که: از علی بن ابیطالب -

ع - راجع به روز حج اکبر سؤال کردم، فرمود: روز عرفه است <sup>7</sup>.

ابوالشیخ نیز از ابن عباس نقل می کند که گفته است: همانا روز عرفه، روز حج

اکبر است و این روز، روز مباحات است، روزی است که خداوند به اهل زمین در

برابر ملائکه آسمان، فخر کرده و می فرماید :

«جاؤنی شعئا غیرا آمنوا بی ولم یرونی و عزّتی لا غفرت لهم <sup>8</sup>.»

«ژولیده موی و گرد و خاک بر چهره نشسته، به سوی من آمده اند . به من ایمان

آوردند، با آنکه مرا ندیده اند. به عزّت خودم سوگند آنها را می بخشم .»

برخی از کسانی که این قول را پذیرفته اند به حدیث معروف « الحج عرفه »

استدلال کرده و می گویند :

از آنجا که یکی از بزرگترین اعمال حج، وقوف در عرفه می باشد، و کسی که آن

را درک کند، حج را درک کرده و کسی که آن را درک نکند حج او باطل است،

لذا روز عرفه را روز حج اکبر نامیده اند.<sup>9</sup>

2- دسته دیگر «یوم الحج الأكبر» را تمامی ایام حج می دانند. این گروه معتقدند

همانگونه که «جنگ جمل»، «جنگ صفین» و «جنگ بعاث» با اینکه روزها طول

کشیده، از آنها به «روز صفین»، «روز جمل» و «روز بعاث» تعبیر می کنند و

مرادشان از «یوم»، تمامی دوران آن جنگ هاست، بنابراین در این جا نیز مراد از

«یوم الحج الأكبر» تمامی ایام حج است.<sup>10</sup>

شیخ تهانوی می گوید: «الحج نوعان: الحج الاکبر و هو حج الاسلام، و الحج

الأصغر و هو العمرة.»

«حج دو نوع اس حج اصغر که عمره است.<sup>11</sup>»

3- دسته سوّم حج اکبر را وقوف در عرفات و اعمال مربوط به منی می دانند :

عمر بن اذینه می گوید: برای امام صادق - ع - مسائلی را نوشتم و پس از مدتی، پاسخ

آن حضرت را با دست خط مبارکش دریافت نمودم :

«... و سألته عن قوله تعالى الحج الاكبر ما يعني بالحج الاكبر؟ فقال الحج الاكبر

الوقوف بعرفة و رمي الجمار، و الحج الاصغر العمرة<sup>12</sup>.»

«از امام سؤال کردم که فرموده خداوند: «(یوم الحج الاکبر)» به چه معنی است؟

فرمود: حج اکبر وقوف در عرفات و رمی جمرات است و حج اصغر عمره است .

براساس این روایت، اعمال عرفه و منی، حج اکبر شمرده است .»

همین مطلب را زراره از امام صادق - ع - روایت کرده که آن حضرت فرمود :

«الحج الاكبر الوقوف بعرفة، و بجمع\* و رمى الجمار بمنى، و الحج الاصغر

العمرة<sup>13</sup>.»

«\*» جمع با فتح جيم و سکون را به معنای مشعر است . مجمع البحرين، ج ۱، ص

. ۳۹۷

حج اکبر و قوف به عرفه و مشعر، و رمی جمرات در منی است و حج اصغر عمره

است .»

4. سفیان ثوری و ابن جریج و... روز حج اکبر را تمامی آیام منی می دانند<sup>14</sup>.

5. مجاهد روایت دیگری را نقل کرده، می گوید: «الحج الاكبر القران\*، و

الأصغر الأفراد .»\*

«حج اکبر، حج قران و حج اصغر حج افراد است<sup>15</sup>.»

«\*» حجِ قرآن با حج افراد در جمیع جهات یکسان است، جز اینکه، در حجِ قرآن

هنگام احرام مکلف باید قربانی را همراه داشته باشد. مناسک .

«\*» حج افراد عین صورت جمع تمتع است با یک فرق که در حج تمتع هدی باید

ذبح کند و در حج افراد واجب نیست. مناسک امام خمینی ص ۴۵ .

6- ابن ابی حاتم از سعید بن مسیب نقل می کند که گفت: حج اکبر روز دوم از یوم

النحر (عید قربان) است. آیا نمی بینی که امام در آن روز خطبه می خواند؟<sup>16</sup>

7- ابن سیرین گفته است :

«روز حج اکبر، مربوط به آن سالی است که پیامبر -ص- حجه الوداع را انجام

دادند و همراه با ایشان نیز تعداد بیشماری از مردم حج بجای آوردند<sup>17</sup>.»



البته می توان این قول را نیز، مؤید آن کسانی دانست که روز حج اکبر را روز عید

قربان می دانند؛ زیرا در همان سال، پیامبر - ص - در منی برای مردم سخن گفت و در

روز عید قربان از مردم سؤال فرمود: امروز چه روزی است؟ گفتند: روز عید

قربان. سپس فرمود: امروز روز حج اکبر است. ابن عربی این حدیث را حسن و

صحیح می داند<sup>18</sup>.

8- طبرانی از سمره بن جندب نقل می کند که گفته است: «روز حج اکبر،

مربوط به آن سالی است که مسلمانان و مشرکان حج را در مدت سه روز انجام دادند

که قبل از آن، چنین حجتی انجام نشده، و پس از آن نیز روی نخواهد داد<sup>19</sup>.»

فضیل بن عیاض نیز از امام صادق - ع - نقل می کند که فرمود: علت نامگذاری حج

اکبر آن است که در آن سال مسلمانان و مشرکان، همراه با هم حج انجام داده و پس

از آن دیگر مشرکین حج بجای نیاوردند<sup>20</sup>.

همچنین ابن ابی شیبہ زاید از ابن عون نقل می کند که از محمد راجع به روز حج

اکبر سؤال کردند گفت: روزی است که حج رسول خدا - ص - با حج اهل ملل

مصادف گردید<sup>21</sup>.

9- بسیاری از محدثان و مفسران، با استناد به روایات گوناگون، حج اکبر را روز

عید قربان می دانند. این دسته علاوه بر آنکه از استحکام بیشتری برخوردار می

باشد، با آیه « فسیحوا فی الأرض اربعه اشهر » و یا نقل های تاریخی که می

گوید: «علی بن ابیطالب - ع - بعد از ظهر عید قربان پیام برائت را ابلاغ فرمود »،

سازگارتر است :

ابن ابی اوفی می گوید: « روز عید قربان، روز حج اکبر است. در آن روز خون

ریخته می شود. سرها تراشیده می شوند. آلودگی ها و زواید بدن بر طرف می

گردد، و حرام ها حلال می شوند<sup>22</sup>. »

مالک نیز همین عقیده را داشته می گوید: «شکی نداریم که حج اکبر روز عید

قربان است و این بدان جهت می باشد که بسیاری از اعمال حج در روز عید قربان

انجام می شود. در شب عید، حجاج در منی وقوف داشته، در فردای آن، رمی،

قربانی، حلق و طواف انجام می شود<sup>23</sup>.»

ابوبکر محمد بن عبدالله معروف به ابن عربی با تأیید قول مالک می گوید:

«و غاص مالک علی الحقیقه»

«مالک به تمامی حقیقت دست یافته است<sup>24</sup>»...

معاویه بن عمار می گوید: از امام صادق - ع - درباره روز حج اکبر سؤال کردم، آن

حضرت فرمود: «روز عید قربان، روز حج اکبر و عمره حج اصغر است<sup>25</sup>.»

در جای دیگر صفوان بن یحیی از ذریع المحاربی از امام صادق - ع - نقل می کند که

آن حضرت فرمود: «حج اکبر یوم النحر، (روز عید قربان) است»<sup>26</sup>.

فضیل بن عباس می گوید: از امام صادق - ع - پیرامون حج اکبر سؤال کردم و گفتم:

ابن عباس آن را روز عرفه می دانسته است. حضرت پاسخ فرمودند: «علی - ع -

می فرمود: حج اکبر روز عید قربان است و آنگاه به فرموده خدای عزوجل:

«فسیحوا فی الأرض اربعه اشهر»<sup>27</sup> «استدلال کرده می فرمود»: چهار ماه؛

عبارت است از «بیست روز از ماه ذیحجه، و ماه های محرم، صفر، ربیع الاول و

ده روز از ربیع الآخر و اگر حج اکبر روز عرفه باشد چهار ماه و یک روز

خواهد شد»<sup>28</sup>.

لازم به توضیح است که علی بن ابی طالب - ع - پیام برائت را به دستور رسول خدا -

ص - در روز دهم ذیحجه (روز عید قربان) در منی برای مردم قرائت فرموده و

بر اساس دستور خداوند چهار ماه به مشرکین مهلت داد تا تصمیم بگیرند مسلمان

شده و یا بر کفر و شرک باقی بمانند و در نتیجه کشته شوند. چهار ماه از این

قرار بود: بیست روز باقیمانده از ماه ذیحجه، تمامی ماه های محرم، صفر، و ربیع

الاول و ده روز از ربیع الثانی، که در نتیجه روز یازدهم ربیع الثانی مهلت چهار

ماهه پایان می پذیرفت. بر این اساس آنها که روز عرفه را یوم الحج الاکبر بدانند

یک روز به چهار ماه خواهند افزود و این با آیه ناسازگار است .

صاحب تفسیر المنار نیز می گوید: این چهار ماه از روز دهم (عید قربان) ذیحجه

سال نهم (که پیام برائت در آن ابلاغ شد) آغاز و در دهم ربیع الآخر سال دهم

خاتمه می یابد<sup>29</sup> .

در روایت دیگری آمده است: در حالی که علی بن ابی طالب - ع - روز عید قربان، بر

مرکبی سفید رنگ سوار گشته، به طرف جبانه حرکت می کرد، مردی آمد و لجام

اسب آن حضرت را در دست گرفت و سؤال کرد روز حج اکبر کدام است؟

حضرت پاسخ دادند: همین امروز است،» سپس فرمود «: از مقابل مرکب کنار

30  
برو .

منابع اهل سنت از افرادی مانند ابن عباس، سعید بن جبیر، ابن زید، نخعی، شعبی،

سدی، ابن ابی اوفی، و ابن مردویه... نیز نقل کرده اند که «: مراد از یوم الحج

الاکبر روز عید قربان است<sup>31</sup>.»

از مجاهد نیز روایتی نقل شده که حج اکبر را یوم النحر می داند<sup>32</sup>.

ترمذی، ابن منذر، ابن ابی حاتم و ابن مردویه به نقل از علی بن ابی طالب - ع - آورده

اند که فرمود: از پیامبر - ص - سؤال کردم «: یوم الحج اکبر چه روزی است؟

فرمود: روز عید قربان است<sup>33</sup>.»

ابوالشیخ نیز نقل کرده، که علی - ع - فرمود: «یوم الحج الاکبر روز عید قربان

است<sup>34</sup>.»

ابن مردویه از ابن ابی اوفی و او از رسول خدا - ص - نقل می کند که فرمود :

«یوم الاضحی هذا، یوم الحج الاکبر»

«روز عید قربان، امروز، روز حج اکبر است<sup>35</sup>.»

ابن داود، ابن ماجه... و ابونعیم در حلیه، از ابن عمر نقل کرده اند که گفته است :

رسول خدا - ص - روز عید قربان در حجه الوداع در بین جمرات توقف نموده، از

مردم سؤال فرمود: امروز چه روزی است؟ گفتند: روز عید قربان. آنگاه پیامبر -

ص - فرمود: امروز، روز حج اکبر است<sup>36</sup>.»

بخاری و دیگران نیز همین مطلب را از پیامبر - ص - نقل کرده اند<sup>37</sup>.

ابوهریره نیز می گوید: ابابکر در همین سال مرا همراه مؤذنینی که روز عید

قربان اعزام داشت، فرستاد، سپس پیامبر - ص - علی - ع - را برای ابلاغ پیام

برائت اعزام فرمود<sup>38</sup>.

که این روایت نیز مشخص می کند روزی که علی - ع - پیام برائت را برای مردم

قرائت فرمود، روز عید قربان بوده و در نتیجه یوم الحج الاکبر همان روز

خواهد بود.

ابن ابی شیبه می گوید: ابی جحیفه نیز روز حج اکبر را روز عید قربان می داند

عطا و ابن جریر نیز از ابن عباس همین مطلب را نقل کرده اند<sup>39</sup>.

ابن جریر از مغیره بن شعبه نقل می کند که: روز عید اضحی خطبه خواند و گفت:

امروز، روز حج اکبر است<sup>40</sup>.



ابن ابی شیبہ از ابی اسحاق نقل می کند که گفته است: از عبدالله بن شداد از حج

اکبر سؤال کردم پاسخ داد: روز عید قربان است و حج اصغر عمره است.<sup>41</sup>

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن می گوید :

«... و یوم الحج الاکبر اختلف الروایات فی تحدیده،: أهو یوم عرفه ام یوم النحر؟

و الاصح انه یوم النحر.»

در روایات، در تعریف روز حج اکبر و اینکه آیا روز عرفه است یا روز عید

قربان، اختلاف نظر وجود دارد، لیکن صحیحترین قول آن است که روز عید

قربان باشد<sup>42</sup>. ابن کثیر در تفسیرش می گوید: «یوم الحج الاکبر» روز عید

قربان است که برترین و بزرگترین روزهای انجام مناسک حج است.<sup>43</sup>

صاحب تفسیر مراغی نیز همین عقیده را دارد، وی می گوید :

«یوم الحج الاکبر یوم النحر الذی فیہ تنهی فرائض الحج و یجتمع الحجاج لإتمام

مناسکهم و سننهم فی منی .»

«روز حج اکبر، روز عید قربان است که در آن حجاج برای تکمیل مناسک حج،

در منی جمع می شوند، و واجبات حج در این روز پایان می یابد<sup>44</sup> .

محمد رشید رضا در المنار ضمن برتر دانستن این قول که «حج اکبر روز عید

قربان است» «روزی که» واجبات و ارکان حج در آن به پایان می رسد می

گوید: در تعیین حج اکبر اختلاف نظر وجود دارد که به زودی ما آن را ذکر

خواهیم نمود<sup>45</sup> .

طبری پس از آنکه اقوال مختلف را پیرامون حج اکبر بیان می کند می گوید:

برترین و صحیح ترین آنها، نزد ما، گفتار کسی است که می گوید: «یوم الحج

الاکبر»، یوم النحر، روز عید قربان است. زیرا اخبار فراوانی از گروهی از

صحابه رسول خدا- ص- وجود دارد که می گوید: علی بن ابی طالب در روز عید

قربان، آیات برائت را برای مردم قرائت کرد. علاوه بر آن، روایات متعددی از

رسول خدا- ص- ذکر کردیم که می گفت:

«روز عید قربان، روز حج اکبر است.» «سپس در تأیید این سخن می گوید :

«یوم» در اینگونه کلمات، براساس آنچه بدان اضافه شده، معنا پیدا می کند. وقتی

مردم می گویند «یوم عرفه»، مراد روزی است که مردم در عرفات وقوف دارند.

«یوم اضحی»، روی است که مردم در آن قربانی می کنند. «یوم الفطر»، روزی

است که مردم در آن افطار می کنند و همین طور «یوم الحج» روزی است که

مردم در آن حج به جای می آورند، و همانا مردم در روز عید قربان مناسک خود را

به پایان برده و حجشان خاتمه می یابد و بالاخره تمامی حج روز عید قربان است <sup>46</sup>.

در روایت دیگری آمده است که: پیامبر - ص - بر شتر ماده قرمز رنگی سوار شده و

فرمود :

«اتَدْرُونَ أَيَّ يَوْمٍ يَوْمِكُمْ؟»، «آیا می دانید امروز چه روزی است؟».»

«قالوا: يوم النحر»، «گفتند روز عید قربان است.»

آنگاه فرمود: «صَدَقْتُمْ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ»، «راست گفتید: روز حج اکبر

است<sup>47</sup>».

ابی بشر می گوید: علی بن عبدالله بن عباس با مردی از آل شیبه بر سر اینکه روز

حج اکبر کدام است با یکدیگر به مخاصمه پرداختند. علی بن عبدالله می گفت: روز

عید قربان است و دیگری می گفت: روز عرفه است. کسی را نزد سعید بن جبیر

فرستاد، از او سؤال کردند: پاسخ گفت: روز عید قربان است<sup>48</sup> ...

ابلاغ پیام برائت توسط علی - ع - نیز در منی و روز عید قربان بوده است.

ابی الصباح کنانی از امام صادق - ع - نقل می کند که فرمود: «پیامبر - ص - پس از

مراجعت از جنگ تبوک تصمیم به انجام حج گرفتند» لیکن «فرمودند: در خانه

خدا مشرکان عریان ظاهر شده، به طواف می پردازند و تا چنین است من دوست نمی

دارم حج به جای آورم<sup>49</sup>.»

به دنبال آن آیات، سوره براءت نازل و پیامبر - ص - علی - ع - را برای ابلاغ پیام به

مشرکان، به مکه اعزام فرمود. جریان این اعزام را امام صادق - ع - اینگونه بیان می

فرمایند :

رسول خدا - ص - پس از فتح مکه از انجام مراسم حج توسط مشرکین، جلوگیری

نفرموده بود، لیکن مشرکین با اعمال زشت و ناپسند و عقاید خرافی خود، مراسم

حج را به ابتذال کشانده بودند. و چنین وضعیتی قابل دوام نبود. به نمونه ای از این

### اعمال توجه کنید :

یکی از سنت های اعراب جاهلی در حج این بود که عقیده داشتند: کسی که وارد

مکه شده و با لباس خود طواف می کند. پس از طواف جایز نیست آن لباس را نگه

داشته و از آن استفاده نماید. براین اساس پس از طواف، لباس خود را به دیگری

صدقه می داد و یا قبلاً لباسی را کرایه کرده با آن طواف می کرد و سپس به

صاحبش برمی گرداند، آنهایی که قدرت کرایه کردن لباس را نداشته و یک لباس

نیز بیشتر نداشتند، آن را از تن بیرون آورده و عریان به طواف می پرداختند. تا

جایی که روزی زنی زیبا و خوب روی برای طواف به مسجدالحرام آمد، چون یک

لباس بیشتر نداشت و کسی نیز لباسی به او کرایه نداد، برهنه مشغول طواف

گردید، مردم به تماشای او ایستادند. پس از پایان طواف برخی درخواست ازدواج با

او را کردند، زن جواب منفی داده، گفت: من شوهر دارم. این وضعیت زشت و

ناپسند قابل دوام نبود و قداست خانه خدا را خدشه دار می ساخت .

زمانی که آیات اول سوره برائت بر رسول خدا- ص- نازل گردید، پیامبر آنها را به

ابابکر داده و به او امر فرمودند تا به مکه رفته، آیات را در منی و روز عید قربان

برای مردم قرائت کند. همین که ابابکر رفت جبرائیل بر رسول خدا- ص- نازل شد

و گفت :

«لَا يَأْتِي عِنكَ إِلَّا رَجُلٌ مُنْكَ»، «این پیام را باید مردی که از شما و خاندان

شماست ابلاغ نماید .»

ابن عربی در ضمن روایتی این جمله را چنین آورده است: «انه لا يَأْتِي عِنِّي إِلَّا

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»<sup>50</sup>...

به دنبال این دستور، پیامبر-ص- علی بن ابی طالب-ع- را برای انجام این مأموریت

انتخاب و به دنبال ابابکر فرستاد، علی-ع- در منطقه روجاء<sup>51</sup> و یا بر طبق بعضی

نقل‌ها در ذی الحلیفه ( <sup>52</sup> به ابابکر رسیده، آیات را از او گرفت، ابابکر با وحشت

بسیار، به سوی پیامبر-ص- بازگشت و اظهار داشت: آیا در باره من آیه ای نازل

شد که تصمیم خود را عوض کردید؟ پیامبر-ص- پاسخ دادند: نه، خداوند مرا امر

فرمود تا این پیام توسط خودم یا مردی از خانواده ام ابلاغ گردد.

علی-ع- فرمود: «: پیامبر-ص- به من امر نمود تا دستور خدا را به مردم ابلاغ

کرده، به آنها بگویم: از این پس هرگز عریان بر گرد خانه خدا طواف نکنند و پس

از این سال نیز، دیگر مشرکین نزدیک مسجدالحرام نشوند<sup>53</sup>.»



از این روایت می‌توان فهمید که زمان ابلاغ آیات سوره برائت توسط امیرالمؤمنین -

ع - روز عید قربان و در سرزمین منی بوده است و در نتیجه روز حج اکبر نیز

همان روز عید قربان خواهد بود .

حرین نیز از امام صادق - ع - نقل می‌کند که فرمود: بعد از ظهر روز عید قربان پیام

برائت را علی بن ابی طالب - ع - قرائت فرمود<sup>54</sup> .

ترمذی از زید بن یثیع نقل می‌کند که گفته است: از علی - ع - سؤال کردم : مأموریت

شما در حج چه بود؟ حضرت پاسخ فرمودند: چهار چیز :

1- اینکه برهنه در کنار کعبه طواف نکنند .

2- اگر بین پیامبر - ص - و کسانی از مردم پیمانی هست که زمان آن مشخص است،

آن پیمان به قوت خود باقی است .

3- به آنان که پیمانی ندارند، چهار ماه مهلت داده می‌شود .

4- وارد بهشت نمی شود مگر کسی که مؤمن باشد<sup>55</sup>.

ابن عربی به نقل از ابوسعید محمد بن طاهر و او از استاد ابو مظفر طاهر بن

محمود شاهپور نقل می کند که گفته است: یکی از دلایل اعزام علی - ع - برای این

مأموریت، این بود که سیره اعراب در گذشته چنین بوده که پیمان های خود را

تقض نمی کردند مگر با حضور کسی که آن پیمان را بسته بود، یا مردی از آن

خاندان. بر این اساس پیامبر - ص - می خواست تا بهانه را از دست مشرکان گرفته و

زبان آنها نیز در آینده بسته شود، لذا پسر عموی خود را که از بنی هاشم و از بیت

رسول خدا - ص - بود، برای برداشتن این پیمان به سوی مکه فرستاد<sup>56</sup>.

محمد رشید رضا در تفسیر المنار بدون آنکه مدرک خویش را مشخص کند بر

وجود چنین رسمی صحّه می گذارد لیکن به نظر می رسد ایشان نیز از همان نقل

بهره گرفته است<sup>57</sup>.

به نظر می رسد چنین مطلبی صحیح نباشد زیرا :

اولاً: پیامبر-ص- از قبل به رسوم اعراب جاهلی آگاه بود و اگر این رسم وجود

داشت حضرت نمی بایست ابتدا ابابکر را انتخاب فرموده، و پس از آن که آیه نازل

شد مأموریت را به علی-ع- واگذار کند !

ثانیاً: مفسرین بر این عقیده اند که انتخاب علی-ع- برای این مأموریت از ناحیه

خداوند بوده که توسط جبرائیل امین به رسول خدا-ص- ابلاغ گردید و این انتخاب

الهی، مهمتر از پاسخگویی به یک رسم جاهلی است .

ثالثاً: ابلاغ پیام برائت در اوج اقتدار پیامبر-ص- و پس از فتح مکه و زمانی که

مشرکین در ذلت بسر می بردند صورت گرفته و دیگر برای مشرکان قدرتی باقی

نمانده تا بتوانند در آینده، نسبت به شکستن پیمان خود با پیامبر - ص - اعتراض

نمایند .

به هر حال مسلم آن است که پیامبر - ص - ابتدا ابابکر را مأمور ابلاغ پیام فرمود و

سپس این مأموریت را لغو و آن را به علی بن ابیطالب - ع - واگذار نمود .

افرادی همچون محمد رشید رضا دنبال اثبات این مطلبند که پیامبر - ص - ابابکر را

در همان سفر به عنوان امیرالحاج اعزام نموده، و علی بن ابیطالب - ع - فقط مأمور

اعلام آیات براءت به حاجیان بوده است<sup>58</sup> .

لیکن این سخن نمی تواند صحیح باشد، زیرا اولاً: ابلاغ این مطلب که «: لا یحجّ

بعد العام مشرک»، «از این پس مشرکان حق انجام حج را ندارند» مستقیماً با

امیرالحاج ارتباط دارد. و ثانیاً در روایات آمده است که: «لا یبلغها الا انا ورجل

من اهل بیتی<sup>59</sup> .»

عجیب تر آنکه وقتی آقایان با این مشکل مواجه شده و پاسخی برای آن نیافته اند،

در صدد برآمده اند تا بگویند ابابکر به علی - ع - دستور داد تا آیات سوره برائت را

قرائت نماید<sup>60</sup>.

و حال آنکه ابلاغ این پیام به فرمان پیامبر - ص - صورت گرفت و نیازی به دستور

مجدد ابابکر نداشت! اباهریزه تلاش می کند تا اعلان برائت در روز عید قربان را

برای خود ثبت نموده، علی - ع - را نیز در شمار یکی از کسانی که این مسؤولیت را

عهده دار بوده است، معرفی کند<sup>61</sup>!

تعصب آنچنان چشم و گوش آقای محمد رشید رضا را پر کرده که به دنبال نقل این

مسائل، شدیداً به شیعه حمله می کند که چرا از این قضیه به عنوان اثبات یک

فضیلت برای علی بن ابیطالب - ع - استفاده می کنند؟!!

چگونه یک انسان که خود را مفسر قرآن می داند به خود جرأت می دهد اینگونه در

تحریف حقایق تلاش کند و تا بدان جا پیش رود که برای شیعه و به قول او،

روافض، تقاضای مرگ و کشته شدن بنماید<sup>62</sup>.

متأسفانه برای انکار این فضیلت تا بدان جا پیش رفته اند که پس از مسلم گرفتن

امیرالحاج بودن ابابکر، محمد رشید رضا از آلوسی نقل می کند که برخی از اهل

سنت گفته اند: اینکه پیامبر-ص- ابابکر را به عنوان امیرالحاج و علی-ع- را به

عنوان مبلغ پیام برائت انتخاب فرمود، به خاطر آن است که ابابکر مظهر صفت

رحمت و جمال خداوندی است و علی-ع- شیر خدا و مظهر جلال خداوندی است

(که صفت قهر از صفات جلال است) لذا اینجا که نقض عهد مشرکان است» و به

اصطلاح خشونت لازم دارد «این مسئولیت به عهده علی بن ابیطالب-ع- گذاشته

ابن کثیر از روی تعصب برای نادیده انگاشتن این فضیلت بزرگِ علی بن ابیطالب - ع

- تلاش می کند تا حدیث رسول خدا - ص - را که فرمود: «لایبلغها الا انا ورجل من

اهل بیتی» را از اعتبار انداخته، آن را ضعیف و غیر صحیح معرفی کند!<sup>64</sup>

علاوه بر آن می گوید: اینکه در روایت آمده: «پس از ابلاغ پیام رسول اکرم -

ص - ابابکر به مدینه مراجعت نمود» معنایش آن نیست که فوراً به مدینه برگشت؛

بلکه وی به راه خود ادامه داده، و پس از انجام مناسک حج به مدینه مراجعت و به

حضور پیامبر - ص - رسید.<sup>65</sup>

و از این بدتر آنکه ابن کثیر به نقل از مسند احمد حنبل می گوید: آنگاه که

پیامبر - ص - علی - ع - را برای ابلاغ پیام برائت مأمور نمود، علی - ع - در پاسخ

گفت: ای پیامبر خدا من نه سخنورم و نه زبان گویائی دارم: و پیامبر - ص - به ایشان

فرمودند: من ناچارم یا خود این مأموریت را انجام دهم یا آنکه شما عهده دار آن

شوید و سپس علی - ع - پاسخ داد: حال که ناچار و مجبوریم پس من خواهم رفت !

پیامبر - ص - نیز علی - ع - را دعا نموده، دستش را بر دهان علی - ع - نهاد<sup>66</sup>.

براستی تعصب چه می کند و چگونه انسان ها را به انحراف و بیراهه می کشد!

علی - ع - آن سخنور توانا و آن گوینده پرجاذبه ای که با شروع کلامش نفس در

سینه ها حبس، و با شنیدن کلامش انسان های عاشقی چون «همام» قالب تھی می

کنند، را چونان انسان های بی زبانی که توانائی حرف زدن ندارند، معرفی می نماید .

بدیهی است که اینگونه تعصبات ناروا، نمی تواند پرده بر روی حقایق کشیده بر

واقعیات سرپوش بگذارد. حق همان است که گفته شد انتخاب علی - ع - برای این

امر مهم، حاکی از فضیلت بزرگی است که تنها آن کس که از اهل بیت رسول الله -



ص- و جان و روح آن حضرت و محبوب خداوند است، از عهده انجام آن بر خواهد

آمد .

مرحوم علامه طباطبائی- رضوان الله تعالی علیه- در ذیل آیه شریفه «: و

اذان من الله ورسوله «...فرموده اند :

«مراد روز دهم ذی الحجه از سال نهم هجرت است چون در آن روز بود که

مسلمانان و مشرکان یک جا اجتماع کرده و هر دو طایفه به حج خانه خدا پرداختند

و پس از آن سال، دیگر هیچ مشرکی حج انجام نداد. سپس می افزاید: این قول مورد

تأیید روایاتی است که از ائمه اهل بیت- ع- رسیده و با معنای اعلام براءت مناسب

تر و با عقل نیز سازگارتر از سایر اقوال است، زیرا آن روز، بزرگترین روزی

بود که مسلمانان و عموم مشرکین به حج آمده، در منی جمع شده بودند. این معنی از

برخی روایات واصله از طرق اهل سنت، نیز استفاده می شود چیزی که هست در

آن روایات مراد از حج اکبر روز دهم از هر سال است، نه فقط سال نهم هجرت، و

بنابراین همه ساله حج اکبر تکرار می شود لیکن از طریق نقل ثابت نشده که اسم

روز دهم روز حج اکبر باشد<sup>67</sup>.»

و در ادامه نقل اقوال ذیل آیه شریفه می فرمایند :

«از شنیدن کلمه «روز حج اکبر»، همان «روز عید قربان» به ذهن می رسد،

چون تنها روزی که عموم حجاج آنجا اجتماع کرده و اعلام برائت می تواند به

گوش همگان برسد، همان روز دهم است، و وجود چنین روزی در میان سایر آیام

حج، نمی گذارد کلمه یوم الحج الاکبر سایر آیام را نیز شامل شود<sup>68</sup>.»

در لغت نامه دهخدا نیز به نقل از مهذب الاسماء، حج اکبر را عید اضحی و عید

گوسفندکشان معنی می کند<sup>69</sup>.

از آنچه گذشت نتیجه می گیریم که

1- مراد از روز حج اکبر روز عید قربان است .

2- تعبیر یوم الحج الاکبر برای اولین بار در مورد روز عید قربان سال نهم

هجرت بکار رفته، و در سال بعد که حجه الوداع صورت گرفت باز این تعبیر

تکرار گردیده است . لذا می توان گفت همه ساله روز عید قربان، روز حج اکبر

است .

3- آنجا که حج اکبر بدون کلمه یوم آورده شود مراد حج در مقابل عمره است .

طبری در این زمینه پس از نقل نظرات مختلف پیرامون علت نامگذاری این روز به

حج اکبر می گوید: از این اقوال نزد من به صحت نزدیکتر، قول کسی است که می

گوید: حج اکبر به معنای حج و حج اصغر به معنای عمره است زیرا اعمال حج از

اعمال عمره بیشتر است <sup>70</sup> .

4- آنگونه که در برخی منابع آمده، روز عرفه در سالی که رسول خدا - ص - حج

گزاردند با روز جمعه مصادف بوده است و مؤلف کتاب الفقه الاسلامی و ادلته

تعبیر «: قد ثبت فی الصحیحین ان یوم عرفه، الذی وقف فیہ النبی - ص - کان یوم

جمعه» دارد<sup>71</sup>.

ولی اینکه مصادف شدن روز جمعه با عرفه در هر زمان، دلیل آن باشد که حج آن

سال، حج اکبر است هیچگونه دلیل و مدرکی در روایات و منابع تاریخی برای آن

ذکر نگردیده و به نظر می رسد یک عقیده عوامانه است که با گذشت زمان بصورت

یک امر مسلم درآمده است .

صاحب تفسیر المنار در این زمینه می گوید: در حجة الوداع، روز عرفه، روز

جمعه بود و عوام هر زمان که وقوف در عرفات با روز جمعه مصادف شود آن سال

را حج اکبر می نامند<sup>72</sup>.

در لغت نامه دهخدا نیز آمده است: ظاهراً در نزد عوام چون عید اضحی با جمعه

تصادف کند حج آن سال را حج اکبر گویند و ثواب این حج را بیشتر گمان برند<sup>73</sup>.

پی نوشت:

1. توبه: ۴ .

- 2- قرطبي، ج ۸، ص ۶۹ .
  - 3- تفسير قرطبي، ج ۸، ص ۷۰ .
  - 4- همان مدرک .
  - 5- تفسير فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱ .
  - 6- در المنثور ج ۳، ص ۲۱۳ .
  - 7- همان مدرک .
  - 8- همان مدرک .
  - 9- تفسير فخر رازی، ج ۱۵، ص ۲۲۱ .
  - 10- مجمع البيان، ج ۵، ص ۵ .
  - 11- كشاف اصطلاحات الفنون، ج ۱ ص ۲۸۳ .
- و كذا في جامع الرموز .

12- وسائل ج ۸ حدیث ۱۴۱۰۸ .

(چاپ آل البيت )

13- وسائل، ج ۱۴، حدیث ۱۹۲۳۹ .

14- مجمع البيان، ج ۵، حدیث ۵، تفسیر قرطبی ج ۸ ص ۷۰ .

15- تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۷۰ .

16- درالمنثور، ج ۳، ص ۲۱۲ .

17- قرطبی، ج ۸، ص ۷۰ .

18- احکام القرآن ابن عربی، ج ۲، ص ۴۵۳ .

19- درالمنثور، ج ۳، ص ۲۱۱ .

20- وافی، ج ۱۴ حدیث ۱۴۳۱۸ .

21- درالمنثور، ج ۳، ص ۲۱۱ .

22- تفسير قرطبي، ج ٨، ص ٦٩ .

23- همان مدرک، ص ٨٠ .

- احکام القرآن ابن عربي، ج ٢، ص ٤٥٢ .

- نور الثقلين، ج ٢، ص ١٨٥ .

24- احکام القرآن ج ٢، ص ٤٥٣ .

25- وسائل، ج ١٤، حديث ١٩٢٣٠ :

- وافي، ج ١٤، حديث ١٤٣١٥ .

26- وافي، ج ١٤، حديث ١٤٣١٦ .

27- توبه: ٢ .

28- وافي، ج ١٤، حديث ١٤٣١٧،

- نور الثقلين، ج ٢، ص ١٨٥ .



- 29- المنار، ج ۱۰ ص ۱۵۲ .
- 30- تفسیر روح البیان، ج ۳ ، ص ۳۸۵ .
- 31- تفسیر فخر رازی، ج ۱۵ ، ص ۲۲۱ .
- 32- مجمع البیان، ج ۵، ص ۵ .
- 33- درالمنثور، ج ۳ ، ص ۲۱۱ .
- 34- همان مدرک .
- 35- درالمنثور، ج ۳ ، ص ۲۱۱ .
- 36- همان مدرک .
- 37- احکام القرآن ابن عربی، ج ۲ ، ص ۴۴۹ .
- 38- احکام القرآن ابن عربی، ج ۲ ، ص ۴۵۰ .
- 39- تفسیر فخر رازی، ج ۱۵ ، ص ۲۲۱ .

- 40- درالمنثور، ج ٣، ص ٢١١ .
- 41- درالمنثور ج ٣، ص ٢١٢ .
- 42- في ظلال القرآن ج ٤، ص ١٣٦ .
- 43- تفسير ابن كثير، ج ٢، ص ٥٢١ .
- 44- تفسير مراغي، ج ١٠، ص ٥٥ .
- 45- المنار، ج ١٠، ص ١٥٣ .
- 46- تفسير طبري، ج ٦، ص ٧٥ .
- 47- تفسير طبري، ج ٦، ص ٥٣ .
- 48- تفسير طبري، ج ٦، ص ٧١ .
- 49- تفسير قرطبي، ج ٨، ص ٦٧ .
- 50- احكام القرآن، ج ٢، ص ٤٥٣ .

51- روجاء مكاني است بين مكه و مدینه كه تا مدینه حدود ۳۰ مايل فاصله دارد .

52- نور الثقلين، ج ۲ ، ص ۱۷۸ .

53- نور الثقلين، ج ۲ ، ص ۱۸۱ ،

- تفسير صافي، ج ۲ ، ص ۳۱۹ .

54- نور الثقلين، ج ۲ ، ص ۱۷۹ .

55- تفسير قرطبي، ج ۸ ، ص ۶۸ .

- احكام القرآن ابن عربي، ج ۲ ، ص ۴۵۴ .

56- قرطبي، ج ۸ ، ص ۶۸ .

57- المنار، ج ۱۰ ، ص ۱۵۸ .

58- تفسير المنار، ج ۱۰ ، ص ۱۵۵ .

59- المنار، ج ۱۰ ، ص ۱۵۷ .

60. همان مدرک ص ۱۵۶ .

61. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۱ .

62. همان مدرک ص ۱۶۴ .

63. المنار، ج ۱۰، ص ۱۶۲ .

64. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۲ .

65. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۲ .

66. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۲۲ .

مسند احمد، ج ۱، ص ۱۵۰ .

67. لغت نامه دهخدا ذیل کلمه حج اکبر ص ۳۱۵ .

68. تفسیر طبری، ج ۶، ص ۷۶ .

69. الفقه الاسلامی ادلته ج ۳، ص ۲۱۳ .

70- تفسير المنار، ج ١٠، ص ١٦٠ .

71- لغت نامه دهخدا ذيل كلمه حج اكبر ص ٣١٥ .

72- تفسير الميزان، ج ٩، ص ٢٢٩ .

73- تفسير الميزان، ج ٩، ص ٢٣٠ .

والسلام./